

انقلاب خاموش؛

هند، در مسیر آموزش همگانی

برگردان: ف. م. هاشمی

نهادهای آموزشی نخبگان هند، توانستند مدیران و دانشمندان تراز اولی را تربیت کنند که در سال‌های دهه‌ی ۱۹۹۰ وظیفه‌ی دشوار شکل‌دهی به انقلاب اطلاعات را در هند با موفقیت به‌انجام رساندند. اکنون نیز انقلاب خاموش دیگری در هند جریان دارد که اگر با موفقیت همراه شود، ضمن این‌که نسل جوان فعلی هند را به مهارت‌های علمی و فنی لازم برای بهبود بهره‌وری اقتصادی مجهز می‌کند، از دامنه‌ی فقر، بیماری و گرسنگی نیز در این کشور می‌کاهد و نگرش اجتماعی مردم هند را به مقوله‌هایی چون جنسیت، کاست (Caste)، قبیله، و از کارافتادگی تغییر می‌دهد.

آموزش همگانی:

آنچه را که تاکنون هند به دست آورده است، نباید دست‌کم گرفت. اهمیت این دستاورد، هنگامی بیش‌تر می‌شود که بدانیم جمعیت هند از سال ۱۹۹۱ تا سال ۲۰۰۱ از ۸۴۰ میلیون نفر به نزدیک یک میلیارد نفر افزایش پیدا کرد. طی این سال‌ها، تنها بر تعداد کودکان بین ۶ تا ۱۴ سال حدود ۳۵ میلیون نفر افزوده شد و تعداد آن‌ها به ۲۰۵ میلیون نفر رسید. در عین حال، طی همین دوره، نسبت ناخالص ثبت‌نام در دوره‌ی دبستان (کلاس‌های اول تا پنجم) از ۸۲ درصد به ۹۵ درصد، و در دوره‌ی راهنمایی (کلاس‌های ششم تا هشتم) از ۵۴ درصد به ۶۱ درصد افزایش یافت. آمارهای دولتی نشان می‌دهد که تعداد کودکان واقع در این گروه سنی که به مدرسه نمی‌روند به شدت کاهش پیدا کرده است و از ۶۰ میلیون نفر در اوایل دهه‌ی ۱۹۹۰ به ۲۵ میلیون نفر در سال ۲۰۰۲ رسیده است و این روند نزولی هم‌چنان ادامه دارد. اگرچه این رقم‌ها را که مربوط به یک سیستم

فدرال فوق‌العاده گسترده است باید با احتیاط تلقی کرد، اما، پیشرفت به دست آمده، جای هیچ‌گونه تردیدی باقی نمی‌گذارد.

توسعه‌ی آموزش دبستانی، - که ناشی از تغییر سیاست‌گذاری‌ها از یک سو و گرایش به تحصیل در اثر رشد اقتصادی و فرآیند جهانی شدن از سوی دیگر است - در سراسر هند به چشم می‌خورد و ملموس است. ایالت‌های جنوبی و غربی هند، به لحاظ تاریخی همیشه در عرصه‌ی فرهنگ و آموزش پیشتاز بوده و گوی سبقت را از دیگر ایالت‌های هند ربوده‌اند. در حال حاضر، بیش‌ترین محرومان نیز که پیش‌تر از پیشرفت چندانی برخوردار نبودند، پای در راه پیشرفت گذاشتند. میزان این پیشرفت در ایالت‌های راجستان، اوتارپرادش، و مادیاپرادش بیش‌تر بوده و به ۹۰ درصد بالغ شده است. ضمن این‌که نسبت مزبور در «بیمهار» نیز به ۷۴ درصد رسیده است. ایالت‌های جنوبی، ایالت‌های ساحلی شرق و غرب، ایالت‌های واقع در منطقه‌ی هیمالیا، و ایالت‌های شمال‌شرقی هند - به استثنای آسام، و ناگالند - یا به تازگی به آموزش همگانی دبستانی رسیده‌اند و یا این‌که مدت‌ها قبل به این هدف دست یافته‌اند. دسترسی دختران و فرزندان قشرهای محروم به تحصیل، بزرگ‌ترین بخش از این موفقیت بوده است. نرخ ثبت‌نام دختران در مدرسه‌ها به ۹۲ درصد و فرزندان وابسته به قبیله‌ها و کاست‌های محروم هند به ۹۵ درصد رسیده است. این در حالی است که دختران ۱۸ درصد و فرزندان خانواده‌های محروم نیز ۹ درصد کل کسانی را که شرایط تحصیل در دوره‌ی دبستانی هند را دارند، تشکیل می‌دهند.

با توجه به موفقیت‌های به دست آمده در دهه‌ی اخیر، انتظار می‌رود که هند بتواند به «هدف‌های توسعه‌ی هزاره» (MDG) به ویژه در زمینه‌ی نیل به آموزش همگانی دبستانی برسد. در این مقاله، سعی می‌شود که بُعدهای مختلف این انقلاب خاموش در هند مورد بررسی قرار گیرد.

از نخبگان تا توده‌ی مردم

فرآیند توسعه‌ی آموزش و پرورش هند را پس از استقلال این کشور می‌توان به سه دوره تقسیم کرد؛ مرحله‌ی اول: آموزش نخبگان به منظور افزایش توان ملی: از سال ۱۹۴۷ تا سال ۱۹۸۶، تاکید اصلی در سیاست‌گذاری‌های آموزشی بر افزایش ظرفیت ملی برای نیل به خوداتکایی و خودکفایی از طریق آموزش نخبگان قرار گرفت. مسوولیت

اصلی تامین مالی این سیاست، بر عهده‌ی ایالت‌ها گذاشته شد و به‌میزان مسوولیتی که ایالت‌ها در این عرصه پذیرفتند، به‌دست‌آوردهای متفاوتی نیز رسیدند. در عرصه‌ی عمومی نیز سرمایه‌گذاری‌های آموزشی دولت از یک درصد تولید ناخالص داخلی هند در سال ۱۹۵۰ به ۳/۴ درصد در سال ۱۹۸۶ افزایش یافت.

مرحله‌ی دوم: تبدیل آموزش دبستانی به اولویت ملی: در سال ۱۹۸۶، دولت هند سندی را با عنوان «سیاست ملی در زمینه‌ی آموزش و پرورش» اعلام کرد که براساس آن یک سلسله طرح‌های تجربی - آزمایشی در مقیاس گسترده به‌اجرا درمی‌آمد. پس از «کنفرانس جهانی آموزش برای همه» در «جامتین» (۱۹۹۰)، هند از کمک‌های خارجی در بخش آموزش دبستانی استقبال کرده گسترده‌ترین مشارکت خارجی در این بخش، به‌ترتیب به‌وسیله‌ی بانک جهانی، انگلستان، کمیسیون اروپایی، هلند، و یونیسف صورت گرفت. طرح‌های منطقه‌ای آموزش دبستانی برای ۱۸ ایالت بزرگ هند تنظیم شد و به‌اجرا در آمده این طرح‌ها توانست دست‌کم ۶۰۰ ناحیه‌ی هند را که در آن دخترها از ضریب پایین تحصیلی برخوردار بودند، زیر پوشش قرار دهد. در این طرح‌ها، مشارکت گسترده‌ی دولت و سازمان‌های غیردولتی و نیز ایجاد هماهنگی ملی در زمینه‌ی برنامه‌ریزی، آموزش و پژوهش‌ها پیش‌بینی شده بود. همچنین مدیریت مالی طرح‌ها و نیز سیستم‌های اجرایی و نظارتی آن‌ها به‌دقت طراحی و تنظیم شده بود.

بین سال‌های ۱۹۹۳ تا ۲۰۰۲، مجموع بودجه‌ی بخش عمومی برای آموزش و پرورش به آرامی رو به افزایش گذاشت و از ۳/۶ به ۴/۱ تولید ناخالص داخلی رسید که بالاتر از ۳ درصد مربوط به میانگین کشورهای کم‌درآمد جهان است. بودجه‌ی آموزش دبستانی هند نیز طی سال‌های مزبور از ۱/۷ به ۲/۱ تولید ناخالص داخلی این کشور افزایش پیدا کرد. طی سال‌های این دوره، اقتصاد هند با آهنگ ۶ درصد در سال رشد کرد و پیرو آن منابع آموزشی این کشور نیز، هم به‌میزان مطلق و هم از نظر نسبی افزایش یافت و بودجه برای هر دانش‌آموز دبستانی، با وجود افزایش بی‌سابقه‌ی ثبت‌نام در مدارس، از ۲۴ دلار به ۴۴ دلار رسید. سهم دولت مرکزی در تامین مالی این بودجه، به ۱۵ درصد افزایش یافت. بقیه‌ی بودجه‌ی مزبور به‌وسیله‌ی دولت‌های ایالتی تامین شد.

مرحله‌ی سوم: همگانی کردن آموزش دبستانی: در سال ۲۰۰۱ دولت هند طرح ملی همگانی کردن آموزش دبستانی را که به‌زبان هند و (Sarva Shiksha Abhiyan) نامیده می‌شود، آغاز کرد. قانون اساسی هند مورد بازنگری قرار گرفت و آموزش دبستانی

مقوله آموزشی		۱۹۹۳	۲۰۰۲
آموزش دبستانی (رقم کلی کلاس اول تا پنجم)		۸۲	۹۵
پسران		۹۰	۹۸
دختران		۷۳	۹۳
راهنمایی تحصیلی (رقم کلی کلاس ششم تا هشتم)		۵۴	۶۱
پسران		۶۲	۶۵
دختران		۴۵	۵۶
متوسطه (رقم کلی کلاس‌های نهم تا دوازدهم)		۳۲	۳۶
پسران		۳۹	۳۹
دختران		۲۴	۳۰
آموزش عالی (رقم کلی سنین ۱۹ تا ۲۴ سال)		۵/۳	۹
پسران		۶/۸	۱۰/۳
دختران		۳/۶	۷/۵
مجموع بودجه‌ی آموزشی دولت		۳/۶	۴/۱
بودجه‌ی دولت در بخش آموزش دبستانی (به‌مثابه‌ی درصدی از تولید ناخالص داخلی)		۱/۷	۲/۱
بودجه‌ی دولت به‌ازای هر دانش‌آموز دبستانی (دلار)		۲۵	۴۴
جدول یک: آموزش توده‌ها (درصد)			

به‌عنوان حق اولیه‌ی هر کودک هندی شناخته شد. به‌موجب این طرح، قرار است که تا سال ۲۰۰۷ تمامی کودکان واجد شرایط هندی، از جمله معلولان، دوره‌ی دبستان را به‌پایان برسانند و از سال ۲۰۱۰ نیز طرح تکمیل تحصیل راهنمایی به‌اجرا درآید که تا سال ۲۰۱۵ به‌تکمیل این دوره به‌وسیله‌ی همه‌ی واجدین شرایط منتهی می‌شود.

طرح همگانی کردن آموزش دبستانی هند که هنجارهای تمرکز و عدم تمرکز و برنامه‌ریزی و بودجه‌بندی را، به‌دقت درکنار یکدیگر رعایت کرده، مبتنی بر برنامه‌ریزی از پایین به‌بالا، بسیج عمومی و نظارت همگانی است. از آن‌جایی که ۷۵ درصد از بودجه‌ی این طرح به‌وسیله‌ی دولت مرکزی و ۲۵ درصد به‌وسیله‌ی دولت‌های ایالتی تامین می‌شود، در پایان هر سال، گزارش عملکرد مالی مسوولان مرکزی و ایالتی مورد بررسی دقیق قرار می‌گیرد و میزان پیشرفت طرح ارزیابی می‌شود. انتظار می‌رود، مجموعه بودجه‌ی طرح همگانی کردن آموزش دبستانی بین سال‌های ۲۰۰۴-۲۰۰۷ از ۳/۵ میلیارد دلار فراتر رود. سه شریک خارجی (بانک جهانی، انگلستان و اتحادیه‌ی

ارویایی) نیز پرداخت ۱/۰۵ میلیارد دلار به دولت هند، جهت کمک به اجرای طرح مزبور را تقبل کرده‌اند.

بودجه‌ی طرح برای اموری چون پرداخت حقوق آموزشیاران، احداث مدرسه‌های جدید در مناطق پرجمعیت، ایجاد دوره‌های جبرانی برای افرادی که ترک تحصیل کرده‌اند، نوآوری‌های آموزشی، تربیت آموزشیاران، و برخی از امور دیگر هزینه می‌شود. برای رفع تبعیض اجتماعی و جنسیتی در بخش آموزشی هند، طرح مزبور ارایه‌ی کتاب‌های درسی مجانی به دختران دانش آموز و دانش آموزان وابسته به قبایل و کاست‌های محروم هند را پیش‌بینی کرده است. طرح همگانی کردن آموزش دبستانی، برای مقوله‌هایی چون ظرفیت‌سازی، پشتیبانی فنی، نظارت و ارزش‌یابی و تبلیغات رسانه‌ای نیز اهمیت فراوان قایل است.

در این طرح، بر مشارکت مردم، شفافیت، و نظارت مردمی تاکید فراوان می‌شود. هر یک از دولت‌های ایالتی باید یک سرشماری دقیق از کودکان منطقه‌ی خود به عمل آورد که در آن به سن، جنسیت، پایگاه اجتماعی، و وضعیت تحصیلی کودکان اشاره شده باشد. به محض تصویب طرح برای هر ایالت و منطقه، بودجه‌ی مربوط به آن اختصاص می‌یابد و اجرای طرح آغاز می‌شود.

پس از آغاز طرح آموزش همگانی دبستانی در سال ۲۰۰۱، تاکید اصلی بر ثبت نام کودکانی قرار گرفت که هیچ‌گاه به مدرسه راه نیافته‌اند. سپس بر کودکانی تاکید شد که تحصیل را رها کرده‌اند و به موازات آن بر کیفیت آموزشی نیز پافشاری شد. مکمل این طرح، طرح تغذیه‌ی رایگان، بود که تمامی دانش آموزان دبستانی را زیر پوشش قرار می‌داد. این طرح، نه تنها کمبود تغذیه‌ی کودکان محروم را تا حدودی جبران می‌کرد، بلکه انگیزه‌ای نیز برای خانواده‌های فقیر فراهم می‌آورد تا کودکان خود را به مدرسه بفرستند.

طرح همگانی کردن آموزش دبستانی، هیچ‌گونه جهت‌گیری سیاسی ندارد، و هر دولتی که در هند بر سر کار می‌آید (با هر گرایش سیاسی) بودجه‌ی لازم را به آن اختصاص می‌دهد. ریاست کمیسیون عالی طرح بر عهده‌ی نخست‌وزیر هند است و همین امر، تداوم و موفقیت آن را تضمین می‌کند.

خطرها و چالش‌ها

به موازات افزایش تعداد دانش آموزان در هند، باید تدابیری برای غیبت روزافزون

دانش آموزان و آموزشیاران اندیشید. یک بررسی که به سال ۲۰۰۲ درباره‌ی دانش آموزان کلاس پنجم هند به عمل آمد، نشان دهنده‌ی شکاف عمیق میان ایالت‌هاست. اگرچه انجام ارزش‌یابی‌های دوره‌ای از پیشرفت تحصیلی دانش آموزان در هند پیش‌بینی شده اما، تاکنون هیچ بررسی دقیقی در مورد میزان انطباق این پیشرفت با استانداردهای جهانی به عمل نیامده است. باید از انجام آزمون‌های معتبر و استاندارد در این امر کم‌گرفت. مشارکت بیش‌تر در ارزش‌یابی‌های تطبیقی آموزشی در سطح منطقه‌ای جهانی برای بهبود و تقویت ظرفیت‌های فنی و سنجش کیفیت آموزشی در هند ضروری به نظر می‌رسد.

آیا کشورهایی که برای همگانی کردن آموزش دبستانی تلاش می‌کنند می‌توانند درس‌هایی از تجربه‌ی هند بیاموزند؟ در این رابطه، دست‌کم به ۵ مورد می‌توان اشاره کرد.

اول، دولت‌ها در هند صرف‌نظر از گرایش‌های سیاسی خود، حداکثر حمایت مادی و معنوی را از هدف‌های طرح (رفع تبعیض جنسیتی، مشارکت کامل گروه‌های محروم، تکمیل آموزش دوره‌ی دبستانی، و اجرای یک استاندارد حداقل برای تمام ایالت‌ها به عمل می‌آورند.

دوم، استمرار اختصاص بودجه و تخصیص منابع کافی به طرح، در کنار استفاده از کمک‌های خارجی.

سوم، طرح همگانی کردن آموزش دبستانی در هند، طرحی است که بر مبنای برنامه‌ریزی مرکزی در کنار تبعیت از سیاست عدم تمرکز تنظیم شده است. تنظیم استراتژی‌های آموزشی محلی در چهارچوب مبانی کلی طرح، مجاز شناخته می‌شود. مشارکت سازمان‌های غیردولتی، نظارت مردمی بر اجرای طرح، و شفافیت از دیگر ویژگی‌های این انقلاب خاموش است.

چهارم، سرمایه‌گذاری بر روی تغذیه‌ی رایگان در مدرسه‌ها، ضمن این‌که موجب افزایش ثبت‌نام می‌شود، بدی تغذیه‌ی کودکان وابسته به گروه‌های فقیر جامعه را نیز کاهش می‌دهد.

پنجم، توجه به توسعه‌ی نهادین و ظرفیت‌سازی، در کنار اجرای طرح‌های آموزشی، از دیگر ویژگی‌های انقلاب خاموش هند است. این رویکرد، فضای مناسب را جهت نوآوری و اجرای مدل‌های موفق آموزشی فراهم می‌سازد.